

گذری بر آرشیو و نظری بر کتابخانه در سایه تحولات زمانه: چالش روزآمدسازی فعالیت‌های کتابخانه و آرشیو

رضا مهاجر

■ چکیده

در جهان پر تغییر کنونی، لاجرم باید سازوکاری در اختیار داشت تا هم‌زمان با این تحولات، افراد و سازمان‌ها و مؤسسه‌ای که به مردم خدمت می‌رسانند نیز دچار تغییر شوند. اما لازمه این کار، آگاهی از توان فرد، مؤسسه و سازمان است. دومین عامل، حدود اختیار است؛ اینکه تا چه میزان و در چه محلی می‌توانید از حدود اختیارات خود استفاده کنید. سوم چه ابزارهایی برای روزآمدسازی فعالیت‌های خود در اختیار دارید و در نهایت اینکه چه برنامه یا راهبردی برای به‌روز کردن وظایف و فعالیت‌ها نیاز است. بر این اساس، سازمان چاره‌ای جز رصد مستمر تحولات و توجه به نیازهای مشتریان خود ندارد. چیزی که در تجارت به آن «مستری‌مداری» می‌گویند. بنابراین باید بر اساس پایش نیازهای کاربران اسناد و کتاب دریافت که چه تغییراتی در بطن و ساختار سازمان لازم است و وظیفه امروز تشکیلات چیست؟ اگر چنین پایشی انجام نگیرد نتیجه‌ای جز روزمرگی در پی ندارد.

کلیدواژه‌ها

کتابخانه، آرشیو، روزآمدسازی فعالیت‌ها، چالش‌ها.



گذری بر آرشیو و نظری بر کتابخانه در سایه تحولات زمانه: چالش روزآمدسازی فعالیت‌های کتابخانه و آرشیو

رضا مهاجر^۱

کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی غالباً مشتمل بر مجموعه‌های کتاب و منابع خواندنی اعم از چاپی و غیرچاپی‌اند که با حضور مستقیم یا به‌صورت خدمات اینترنتی منابع خود را در اختیار کاربر قرار می‌دهند. آرشیو نیز حائز چنین تعریفی است با این تفاوت که منابع آرشیو و نحوه دسترسی به این منابع با کتابخانه تفاوت‌هایی دارد.

آرشیوها غالباً منابع دست اولی ارائه می‌کنند که لزوماً در قالب کتاب جای نمی‌گیرند و به اصطلاح قالب‌های مختلفی از قبیل نسخ خطی، نامه‌ها، عکس‌ها، تصاویر متحرک، منابع صوتی، آثار هنری، کتاب‌ها، خاطرات و مصنوعات را شامل می‌شوند که در نوع خود منحصربه‌فردند و در منابع دیگر، به‌ندرت یافت می‌شوند. با ذکر مثالی این مسئله روشن می‌شود: از کتاب «الف» نسخه‌های مختلفی در کتابخانه‌های یک کشور یا جهان یافت می‌شود؛ اما وقتی دستخط شخصیت یگانه‌ای نظیر دکتر محمد مصدق پیرامون ملی‌شدن صنعت نفت در قالب لایحه پیشنهادی به مجلس سنای آن زمان مطرح شود، پای نسخه دومی در بین نیست. در نتیجه این نامه فاقد هم‌تاست و آنچه بیش از این مطرح است اینکه در سندیت آن و امکان استناد به اطلاعات آن تردیدی نیست. نقشه‌هایی که آندره گودار برای آغاز سازه «موزه ایران باستان» فراهم کرده، بی‌نظیر است. بنابراین نکته حائز اهمیت در بحث اسناد، یگانگی و عدم امکان جایگزینی آن‌هاست. مستندبودن منابع آرشیو، خود به جذابیت بیش از اندازه آن کمک خواهد کرد، چون لازم نیست نظر فلان سیاستمدار را در مورد رویداد «ب» جویا شوید که

۱. کارشناس ادبیات انگلیسی، مترجم
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛
rmohajer2000@yahoo.com



آمیزه‌ای از ذهنیت سیاستمدار مذکور را یدک می‌کشد، بلکه مستندات حادثه را می‌بینید که به قضاوت در مورد رویداد «ب» بدون مداخله ذهنی سایرین و فارغ از تمایلات شخصی و منافع گروهی روایت‌کننده به‌دست پژوهشگر می‌رسد. همین ویژگی‌هاست که باعث می‌شود نگهداری از منابع آرشیو تا این اندازه مهم و حیاتی تلقی شود. به عبارت ساده‌تر، از خلال همین منابع دست اول، تجربیات از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بنابراین طبیعی است که چنین منبع موثقی در کنار دغدغه فراوان برای نگهداری و انتقال هویت ملی از یک نسل به نسل دیگر، دشمنانی نیز داشته باشد. فارغ از دشمنان طبیعی اعم از رویدادهای زیست‌محیطی نظیر سیل و زلزله که موجودیت منابع آرشیوی را تهدید می‌کنند، عداوت با هویت ملی و تمایل به قلب حقیقت نیز منجر به تلاش‌هایی برای از بین بردن آثار ملی یک کشور می‌شود. سرقت و کارشکنی برای نابودی منابع ملی غالباً بخشی از این تلاش‌های مصنوع بشری است. افشای برخی حقایق اجتماعی-سیاسی قطعاً به زیان بسیاری است مثلاً اگر نقش فلان سیاستمدار در نقل جهت‌دار یک واقعه از خلال انتشار اسناد مستند آن رویداد زیر سؤال برود، سیاستمدار مزبور گزینه مرجع خویش را چیزی جز نابودی مستندات این حادثه تشخیص نخواهد داد. بنابراین حتی در کشف حقایق نیز می‌توان روی اسناد حساب کرد؛ زیرا کتاب‌ها از هاضمه روایت‌گرانی گذشته که احياناً در نقل جانبدارانه خویش از یک واقعه، سود شخصی یا گروهی می‌برند. بنابراین به ناچار باید به این نکته حکم کرد که مطالعه کتاب شرط لازم برای روشن‌بینی هست اما شرط کافی نیست.

آرشیوها دارای مأموریت‌های متعدّدند؛ امروز مجموعه‌داران شخصی برای خود تجهیزات عظیمی تدارک دیده‌اند، مثلاً برخی خانواده‌ها به گردآوری آثار و اسناد فعالیت‌های اعضای خود همت می‌گمارند و شماری از آن‌ها برای استفاده عمومی نیز خدماتی قائل هستند. برخی دیگر در قالب سازمان منسجمی فعالیت می‌کنند و آثار خود را با رعایت محدودیت‌های معینی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. مثلاً مؤسسه عکس مگنوم در بریتانیا مشتمل بر ده‌ها عکاس است که تحولات مختلف جهان را در قالب عکس پوشش می‌دهند و رویدادی در عالم نیست که از دید دوربین‌های این مؤسسه دور مانده باشد. اگر آرشیو مؤسسات تجاری، فرهنگی، سیاسی و غیره را به جمع آرشیوها بیافزاییم، مخازن آرشیوی با تنوع و اقسام مختلف مطرح می‌شوند. همه این آرشیوها در مجموع تجربیات ملی و جهانی یک کشور را ترسیم می‌کنند. از این رو، باید مؤسسه‌ای ملی تمامی این مستندات را با توجه به منافع ملی در یک محل گرد آورد. به عبارتی، تک‌تک تحولات یک کشور باید انعکاس ویژه‌ای در آرشیو ملی آن کشور داشته باشد. چون نگاه آیندگان به این طیف وسیع از مستندات، شمایی از یک دوره خاص به آیندگان منتقل می‌کند. در همین جاست که نقش کارکنان آرشیو ملی برجسته می‌شود. این حجم عظیم



از داده‌ها همگی قابل انتقال به قلمرو آرشیو ملی نیستند. اگرچه بسیاری از کارشناسان فناوری اطلاعات، نگرانی همه این آیت‌های داده‌ای را بدون مانع می‌دانند، اما فقط پنج درصد از کل این داده‌ها به گونه‌ای فیلتر (ارزشیابی) می‌شود تا روح زمان خویش را به آیندگان منتقل کند. در کتابخانه، طیف وسیعی از موضوع‌ها گرد می‌آیند و براساس طرح طبقه‌بندی کنگره و دیویی منظم شده و آماده خدمت‌دهی به مراجعان می‌شود. از این‌رو، ارزشیابی خاصی روی کتاب‌های ورودی اعمال نمی‌شود چون نیازسنجی لازم قبل از سفارش کتاب‌ها به عمل آمده است. اما در مورد سند وضع به گونه دیگری است. موضوع‌هایی سیال در فضایی مبهم و ناشناخته! اگر فرایند ارزشیابی بی‌دقت، غیرتخصصی و با مسامحه صورت گیرد، ممکن است به سادگی بخشی از هویت ملی خانواده، منطقه، شهر، استان و کشور، به خطر بیافتد.

با توجه به تحولات فناوری‌های که در دهه‌های اخیر در جهان روی داده، حفظ سرعت حرکت آرشیوهای ملی با این تحولات کار بسیار دشواری است آن‌هم نه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بلکه برای مؤسساتی که در آغوش این تحولات شکل گرفته یا ادامه حیات داده‌اند. حرکت شتاب‌زده آرشیوهای دانشگاهی، ملی و مؤسساتی که بانی تحرک آرشیو هستند، برای سازگارشدن با این شرایط به‌وضوح قابل مشاهده است. زمانی شورای جهانی آرشیو در اجلاس‌های سالیانه خود صرفاً به چالش‌های فنی و تخصصی خویش می‌پرداخت و حتی علاقه‌مندان غیرعضو را نیز به تشریک مساعی فرا نمی‌خواند. اما امروزه حیات این گونه مؤسسات (نظیر ایکا و ایفلا) به تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و غیره پیوند خورده است. بنابراین، شاهدیم که «ایکا» و «ایفلا» اینک در خود را به‌روی محققان و افراد علاقه‌مند گشوده‌اند تا از ظرفیت‌های بیشتری برای هم‌سویی با تحولات علمی و فنی مدرن استفاده کنند.

تحولات سریع علمی به سایر زمینه‌ها نیز سرایت کرده است. زمانی برای شکل‌گیری تحولات عظیمی نظیر «بهار عربی» چندین دهه زمان و برنامه‌ریزی لازم بود. اما امروزه به مدد شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های گروهی، این‌گونه تحولات با سرعت نور پیش می‌روند. حتی می‌توان با جسارت گفت، جهان بعد از سپتامبر ۲۰۰۱ با آنچه در حداث‌های جنگ جهانی دوم تا این نقطه عطف شاهد بودیم، تفاوت‌های عظیمی با یکدیگر دارند.

در پرانتز، نگارنده اعتراف می‌کند که بخش اعظم تحولات جهانی و سنتز آن متوجه کشورهای به اصطلاح جهان نخست است زیرا به باور بسیاری، جهان سوم درگیر نیازهای اولیه و فیزیولوژیک خویش هستند. اما نباید فراموش کرد امروزه کشورهای پیشرفته و متمدن جهان نیز به شدت با مشکلات و چالش‌های ابتدایی حیات اعم از بحران‌های اقتصادی و معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما اینکه جهان سومی‌ها در عرصه مدیریت اطلاعات و ساماندهی



به آرشیوها و کتابخانه‌های خویش، فقط تماشاگر تحولات جهانی باشند به هیچ روی پذیرفته نیست؛ نه از دید هدایت‌کنندگان این تحولات در جهانِ نخست و نه از دید جهانِ سوم‌هایی که فقط شاهد تغییرات هستند!

در جریان حمله نازی‌ها به استالینگراد آن زمان در روسیه شوروی، مردم این شهر در سرمای گزنده زمستان، تابوت اموات خویش را در خیابان‌ها جابه‌جا می‌کردند و گرسنگی امان از آنان گرفته بود. اما در همین زمان، کتابخانه‌ها مملو از محققانی بود که با عینک‌های شکسته و لباس‌های مندرس مطالعه می‌کردند؛ کنایه از اینکه پژوهش در تنگنا نیز تعطیل‌بردار نیست. رسالت آرشیو و کتابخانه ملی، کارکنان و کاربران آن چیزی ورای کمبودهاست. تدوین راهبرد بلندمدت برای حرکت همگام با تحولات، رفع نیازهای مراجعان بر اساس نیازهای ملی - جهانی و بازنگری در سیاست‌ها و رویه‌های انجام کار، فقط بخشی از این تحرک راهبردی به‌شمار می‌رود. به‌کارگیری تمامی پتانسیل موجود برای ترسیم چنین راهبرد بلندمدتی و هموار کردن راه اجرای آن، فارغ از هرگونه تمایل شخصی، گروهی، حزبی و مانند آن، عرصه را بر همهٔ اندیشمندان و استراتژیست‌ها برای حرکت اندام‌وار آرشیو و کتابخانه ملی به‌مثابه یک سازمان بی‌بدیل ملی خواهد گشود و مقدمهٔ حرکت همگام با تحولات جهانی را در این مؤسسه فراهم خواهد ساخت. بنابراین، حفظ وضع موجود راه چاره نیست و آیندگان را با علامت سؤال بزرگی نسبت به عملکرد نسل امروز مواجه خواهد ساخت.

